



سفر ترامپ به چین، جست وجوی یک پیروزی سیاسی میان جنگ و تجارت معناشد؛

**دیپلماسی در لبهٔ بحران جهانی**

جهان ۵



«محمد تقی فیاضی» در گفت وگو با «توسعه ایرانی» و با هشدار درباره تداوم تنش ها:

## تغییر هفتگی قیمت‌ها به ابرتورم می‌انجامد

چرتکه ۳

### گزارش

روایت زندگی برخی عاشق دیده‌شدن؛

### ژنرال‌هایی که مردم هزینه اظهاراتشان را می‌دهند

مشهور مجلس است به شمار می‌رود. او حالا هم با زبان تندى در شبکه اجتماعى ایکس‌نوشته:ایران بایداسامى کشورهاى که در شوراى امنیت به‌قطعنامه آمریکای متجاوز و شیخ‌نشین‌هاى مفت‌خور خلیج فارس درباره تنگه هرمز رای موافق مى‌دهند را بعنوان کشورهاى متخاصم بخاطر داشته باشد. باید برای کشتى‌هاى متعلق به این کشور ها، ممنوعیت تردد یاخذ عوارض چندبرابرى اعمال گردد.

**عضو هیئت دیپلماتیک خواستار بر کنارى وز بر خار جه‌شدا**

محمود نوبیان هم دیگر عضو کمیسیون امنیت ملی است که به رغم حضور در هیئت‌دیپلماتیک‌ایران در پاکستان خواستار بر کنارى عراقچى از تیم مذاکره کننده شده‌است. او که همیشه در برابر مذاکرات با آمریکایاستاده، در یکى از اظهار نظرهاى جنجالی تازه‌اش گفته در صورت بروز هر گونه درگیرى حاکمان کشورهاى عربى را به درک واصل مى‌کنیم و کاخ آن‌ها را با خاک یکسان خواهیم کرد.

چند روز یکبار در قالب تصویر صداوسیما حاضر مى‌شود و در سخنان جنجالی خود یا حکم به توقف مذاکره مى‌دهد یا برای امارات خط‌ونشان مى‌کشد و مى‌گوید با

پایان جنگ ایران، پدر امارات را در مى‌آورد و امارات رارهانى کند.

این چهره‌هاى تندرو به جز هزینه‌تراشى برای جامعه گویى در یک جهان موازى زندگى مى‌کنند که وظایفى خلاف عرف برای خود تعریف کرده‌اند؛ درست مثل آتش فشانى که به جای خاموش کردن حریق بخواهد جابى را به آتش بکشد.

**مدیر انرژى، استراژىست نظامى مى‌شود!**

اما فقط چه‌هساى تندرو نیستند که اظهار نظر هایشان مى‌تواند هزینه‌هاى هنگفتى روى دست نظام حکمرانى بگذارد. این موضوع حتى در نزدیکى دولت هم دیده‌مى‌شود. آنجا که افرادی به جای انجام وظایف تعریف‌شده علاقه دارند دستى هم در خط‌ونشان و رجز خوانى داشته باشند.

برای نمونه اسماعیل سقاب اصفهانى که مسئولیتش ریاست سازمان بهینه‌سازى و مدیریت راهبردى انرژى است در مصاحبه‌اى که از او درباره وضعیت انرژى در شرایط جنگى پرسیده‌مى‌شود، بخشى از پاسخ خود، را در تحلیل جنگ‌اختصاص مى‌دهد و مى‌گوید: دشمن به هیچکدام از اهدافش نرسیده‌است و این برای اولین بار در تاریخ ۲ هزار و ۵۰۰ساله اخیر است که در جنگ با چنین قدرتى هیچکدام از اهداف محقق نشده‌امروز کشور به همت مردم سرپااست.

حالا ما توقعاتى داریم. توقع داریم که تحریم‌ها بر داشته‌شود. پول‌هاى بلوکه شده ما بر گردد. جنگ در لبنان تمام شود. کلاً داستان بر عکس شده‌است و نشان داد آمریکایى که روى کاغذ ده‌ها برابر قدرتمندتر از ایران است، بودجه‌هاى نظامى، هواپیماها و جنگنده‌هاى مدرن، ناوهای هواپیمابر، صدها پایگاه نظامى حوالى مرزهاى ما، تحلیلهای‌گره‌بى در اناق‌هاى شیشه‌شان مى‌گفتند ظرف ۴۸ ساعت کار ایران ساخته‌است، اما یک چیزى را ندیده بودند، آن هم روح مقاومت مردم ایران است.

مواردى مثل سقاب اصفهانى در سیاست ایران کم نیستند. مورد آن‌ها هم مثل این‌مى‌ماند که مسئول سازمان راهنامى و راندگى به جای گزارش عملکرد خود درباره همه‌گیرى یک ویروس در کشور اظهار نظر کند.

حال آنکه در شرایط کنونى که کشور به‌طور خاص تر سنجیده‌گویی نیاز دارد، تریبون‌هاى براى بر خى چهره‌ها به صحنه خودنمایى تبدیل شده‌است. در حالى که نیروهاى مسلح در خط مقدم نبرد، بادقت هر حرکت را رصدمى‌کنند، مدهاىی به گوش مى‌رسد که نه بوى کارشناسى مى‌دهند و نه رنگ مصلحت دارند؛ صداهایى که بیشتر شبیه به تبلیغ برای خودشان است. به نظر مى‌رسد وقت آن است که در سطوح بالای حاکمیت فرمان به جای خود صادر شود و هر کسى به پست و مسئولیت خود برسد کرد.

# توسعه ایرانی

تشکیل یک «ستاد ویژه» پس از ۷۳ روز تناقض گویی؛ فرمانده واقعی اینترنت در ایران چه نهادی است؟

## حکمرانى سایه‌ها!

هفتادوسه روز گذشت و اینترنت در ایران هنوز به وضعیت عادى بازنگشته است. برای میلیون‌ها ایرانی، اینترنت دیگر فقط یک ابزار تکنولوژیک نیست؛ بخشى از کار، معیشت، ارتباط، آموزش، درمان، خرید، بانکداری و حتى احساس امنیت روانى است. با این حال، در تمام این هفته‌ها آنچه بیش از خود محدودیت‌ها جلب توجه کرده، آشفتگى در روایت رسمى و چندپارگى آشکار در ساختار تصمیم‌گیرى در ساره اینترنت بوده؛ وضعیتی که حالا با انتصاب ناگهانی محمدرضا عارف به عنوان «رئیس ستاد ویژه ساماندهى و راهبرى فضای مجازى کشور» وارد مرحله تازه‌اى شده‌است. حکم تازه مسعود پزشکیان در ظاهر یک انتصاب ادارى است، اما متن آن معنایى فراتر دارد. رئیس‌جمهور در حکم خوداز ضرورت «ایجاد انسجام نهادى»، «رفع تداخل وظایف»، «جلوگیرى از موازى کارى» و «پایان دادن به چندصدایی در مدیریت فضای مجازى» سخن گفته‌است. همین چند عبارت کافى است تا تصویرى روشن از وضعیت فعلی حکمرانى اینترنت در ایران ترسیم شود؛ ساختارى چندپاره، متداخل و پراز مراکز تصمیم‌گیرى موازى که حتى دولت نیز ظاهراً کنترل کامل آن را در اختیار ندارد. در واقع، حکم تازه پزشکیان را مى‌توان اعتراف غیرمستقیم به وجود بحران حکمرانى در فضای مجازى دانست.

سیاست ۲

سایه حضور همزمان ایران و امارات در نشست؛

## بریکس چه موضعی در قبال جنگ ایران اتخاذ خواهد کرد؟

سیاست ۲

### واشنگتن فشار می‌آورد، تهران مقاومت می‌کند «خلیج فارس» در آستانه انفجار است؟

اغلب تحلیلگران حوزه سیاست خارجی معتقدند احتمال حمله محدود کاملاً واقعی است، اما احتمال جنگ کلاسیک گسترده همچنان پایین‌ارزایی می‌شود. دلیل آن روشن است: آمریکا به خوبی می‌داند هر گونه حمله وسیع می‌تواند کل خلیج فارس را وارد یک بحران انرژى بى سابقه کند.

در سرباطی که گزارش‌هاى متعدد از رد آخرین پیشنهاد تهران توسط دولت دونالد ترامپ حکایت دارند و همزمان نشانه‌هایی از بازگشت تنش نظامى به خلیج فارس دیده مى‌شود، مسئله دیگر صرفاً اختلاف بر سر برنامه هسته‌اى نیست. دو طرف عملاً وارد «رمز حله‌اى از «آزمون اراده راهبردى» شده‌اند؛ واشنگتن مى‌کوشد با ترکیبى از فشار نظامى و دریاىی، تهدید بزرز ساختنى و جنگ روانى، تهران را به پذیرش یک توافق تحمیلی وادار کند و در مقابل، ایران تلاش دارد نشان دهد هزینه‌بى‌ثباتى منطقه‌اى برای آمریکا و متحدانش بسیار فراتر از تصور اولیه کاخ سفید خواهد بود. به گزارش فرارو، گزارش‌هاى اخیر رسانه‌هاى گوناگون و تحلیل‌هاى حوزه بین‌الملل از تداوم اختلاف بر سر تنگه هرمز، تحریم‌ها، غنى‌سازى و تضمین‌هاى امنیتی نشان مى‌دهد دو طرف هنوز فاصله معنادارى با مصالحه دارند.

**نقشه واشنگتن: فشار فرسایشى به‌جای اشغال**

آنچه اکنون در محافل امنیتی آمریکادیده مى‌شود، بیش از آنکه شبیه الگوی جنگ عراق (۲۰۰۳) باشد، به مدل «فشار فرسایشى چندلایه» شباهت دارد. هدف اصلی واشنگتن، به احتمال زیاد، اشغال سرزمینى ایران نیست؛ بلکه وادار کردن تهران به عقب‌نشینی راهبردى در سه محور است: محدودسازى هسته‌اى، مهار توان موشکى و کاهش نفوذ منطقه‌اى.

برخى تحلیل‌هاى آمریکایى تصریح مى‌کنند که کاخ سفید معتقد است محاصره اقتصادى دریاىی، در بلندمدت مؤثرتر از یک جنگ تمام‌عیار زمینى خواهد بود. آمریکا اکنون در حال آزمودن مدلى شبیه «فشار حداکثرى نظامى شده» است؛ یعنى ترکیب تحریم، احلال در صادرات نفت، تهدید نظامى محدود و فرسایش اقتصادى با هدف شکستن انسجام تصمیم‌گیرى در تهران. به همین دلیل، تکرار تهدیدهاى درباره حمله به زیرساخت‌هاى انرژى، پل‌ها و شبکه برق ایران، بیش از آنکه نشانه تصمیم قطعی به جنگ گسترده باشد، بخشى از راهبرد «وادارسازى از طریق ترس» محسوب مى‌شود.

**آیا حمله نظامى در راه است؟**

اغلب تحلیلگران حوزه سیاست‌خارجى معتقدند احتمال حمله محدود کاملاً واقعی است، اما احتمال جنگ کلاسیک گسترده همچنان پایین‌ارزایی می‌شود. دلیل آن روشن است: آمریکا به خوبی می‌داند هر گونه حمله وسیع می‌تواند کل خلیج فارس را وارد یک بحران انرژى بى سابقه کند.

با این حال، اگر مذاکرات غیرمستقیم کنونى شکست بخورد احتمال آغاز یک عملیات «کوتاه‌اما شدید» افزایش خواهد یافت. بر خى گزارش‌هاى ناینیر از آماده بودن طرح حملات محدود اما متمرکز علیه زیرساخت‌هاى نظامى و انرژى ایران خبر داده‌اند. ابعاد احتمولى چنین حمله‌اى شامل موارد زیر خواهد بود: حملات هواىی و موشکى به تأسیسات هسته‌اى و موشکى – هدف قرار دادن سلسامانه‌هاى پدافندى – حملات سایبرى گسترده – عملیات دریایى علیه توان نامتقارن ایران در خلیج فارس – فشار اطلاعاتى و جنگ الکترونیک

کنته مهم اینجاست که واشنگتن تلاش خواهد کرد دامنه عملیات را «کنترل‌شده» نگه دارد و آوارد جنگ فرسایشى نشود؛ آمریکا به‌ویژه پس از تجربه عراق و افغانستان، تمایلی به درگیرى زمينى طولانى در منطقه ندارد.

**اسرائیل: مو تور شتاب‌دهنده بحران**

در این معادله، بنیامین نتانیاهو همچنان مهم‌ترین بازیگر متمایل به تشدید تنش

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس؛

**عده‌اى مى‌خواهند در تجمعات شبانه سیاست‌هايشان را ابلاغ کنند**

سیاست ۲



بهرغم ادعای تخلیه‌حباب:

**بازار طلا به استقبال**

**واقعیت‌هاى تلخ اقتصادى رفت**

چرتکه ۳

**اعلام آمادگى روسیه برای کمک**

**به پاکستان در میانجیگری**

**میان ایران و آمریکا**

سیاست ۲

درباره نمایش «دیکنه‌طور» علیرضا معروفی

**شمایل لوزان پدرسالارى**

فرهنگ و هنر ۶

اعتراض کانون انجمن‌هاى صنفى کارگران به تغییر مبنای محاسبه مستمرى

**آینده کارگران را بیش از این**

**خراب‌کنند**

دسترخ ۴

درباره «مایکل»؛ پدیده این روزهاى سینماى جهان

**رکوردشکنى تماشاگران در برابر توفان منتقدان**

فرهنگ و هنر ۶

واشنگتن فشار می‌آورد، تهران مقاومت می‌کند

**«خلیج فارس» در آستانه انفجار است؟**

است. تل اوپو اساساً معتقد است هر گونه توقف جنگ بدون محدودسازی جدی برنامه هسته‌اى ایران، به معنای شکست راهبردى اسر ائیل خواهد بود. به همین دلیل، اسر ائیل احتمالاً حتى در صورت تمایل نسبی واشنگتن به مصالحه، تلاش خواهد کرد فضای بحران را حفظ کند. در سطح عملیاتی، اسرائیل احتمالاً نقش «ضربه‌اول» یا عملیات‌هاى اطلاعاتى و ترورهای هدفمند را بر عهده خواهد داشت؛ در حالى که آمریکا بیشتر نقش پشتیبانى راهبردى، لجستیکى و دریایى را ایفاى کند. به بیان دیگر، تل اوپو موتور شتاب‌دهنده بحران است و واشنگتن تلاش مى‌کند سرعت این موتور را مدیریت کند تا کنترل اوضاع از دست نرود.

**کشورهای عربی؛ آیا تماشاگر باقی می‌ماند؟**

کشورهای عربى خلیج فارس، در پیچیده‌ترین موقعیت ممکن قرار گرفته‌اند. شواهد حاکی است که در این دور از درگیری‌ها امارات ممکن است با سایه بیرون آید و به ائتلاف آمریکا و اسرائیل بپیوندد. اما بر خلاف برخی تصورات، بعید است عربستان مستقیماً وارد جنگ شود؛ مگر آنکه مستقیماً زیر ساخت‌هاى آن هدف قرار گیرد. تجربه حملات ارامکودر سال ۲۰۱۹ هنوز در حافظه امنیتی عربستان زنده‌است و آن‌ها مى‌دانند هر گونه ورود آشکار به جنگ مى‌تواند اقتصاد انرژى و سرمایه‌گذارى منطقه را فلج کند. در گذشته رو بگرد شیخ‌نشین‌ها بیشتر مبتنى بر «همکاری امنیتی پنهان با آمریکا» و همزمان حفظ کانال‌هاى ارتباطى با تهران بود. اما به نظر مى‌رسد امارات این رویکرد را کنار گذاشته‌است.

**راهبرد ایران: بازدارندگى نامتقارن**

راهبرد ایران بر پایه «بازدارندگى نامتقارن» بنا شده‌است. تهران به خوبی می‌داند در جنگ کلاسیک طولانى با آمریکا در موقعیت دشوار ترى قرار دارد؛ بنابراین تلاش خواهد کرد هزینه درگیرى را منطقه‌اى و جهانی کند. این راهبرد چند ضلع دارد:

فشار بر خطوط انرژى و کشتیرانى – فعال‌سازى شبکه‌هاى نیابتى منطقه‌اى – حملات موشکى و پهپادى محدود اما فرسایشى – جنگ سایبرى – فرسایش اقتصادى بازار انرژى جهانی

تنگه هرمز در این میان مهم‌ترین اهرم ایران است. تهران مى‌تواند وضعیتی ایجاد کند که عبور کشتى‌ها ممکن باشد اما بار سنگ بالا، هزینه‌بیمه سنگین و اختلال مداوم همراه شود؛ به این ترتیب بدون عبور کامل از آستانه جنگ جهانی انرژى، بازار نفت را در وضعیت اضطراب دائمى نگه مى‌دارد. هم‌اکنون گزارش‌ها از کاهش شدید تردد کشتى‌ها و نگرانى فراینده بازارهاى جهانی انرژى حکایت دارند.

**خطر اصلی: جنگ فرسایشى بدون نقطه پایان**

اگر درگیرى آغاز شود، احتمالاً فاز نخست کوتاه‌اما بسیار شدید خواهد بود؛ اما خطر اصلی، ورود به چرخه «تلافى متقابل بدون نقطه پایان» است. نه واشنگتن مى‌تواند ایران را وادار به تسلیم کامل کند و نه تهران قادر است آمریکا را از منطقه بیرون براند. در چنین سرباطى، منطقه وارد نوعى «جنگ فرسایشى کم‌شدت اما مداوم» خواهد شد؛ الگویى شبیه آنچه در دریای سرخ، عراق و سوریه دیده‌ایم اما در ابعادى بزرگ‌تر و خطرناک‌تر.

بزرگ‌ترین نگرانى اکنون این است که بحران از سطح کنترل دیپلماتیک خارج شود؛ چرا که هر چه زمان بگذرد، تعداد بازیگران درگیر بیشتر مى‌شود؛ اسر ائیل، نیروهای نیابتی، گروه‌هاى عراقى، یمن، بازیگران دریایى و حتى قدرت‌هاى خارجى مانند چین و روسیه که مستقیماً از بحران انرژى متأثر خواهند شد. آنچه امروز در خلیج فارس جریان دارد، صرفاً یک اختلاف سیاسى نیست؛ بلکه نبردى بر سر تعریف نظم امنیتی آینده منطقه است و همین مسئله، بحران کنونى را به یکى از خطرناک‌ترین و روپرواى‌هاى اخیر تبدیل کرده‌است.

